

رحمانی فضلی از ابتدا خط قرمز اصلاح طلبان خوانده می‌شد حالا انتخاب هایش زیر ذره بین است

بهانه واقعی استیضاح



حائیه موحدین

روزنامه‌نگار

پنج سال و چند ماه از آغاز به کار دولت حسن روحانی می‌گذرد، ولی همچنان چانه‌زنی‌های اصلاح‌طلبان درخصوص وزیر کشور، انتخاب‌ها و اختیاراتش ادامه دارد. حالا این روزها تیغ منع به کار گیری بازنشستگان بهانه

حمله به وزیر کشور شده و رحمانی فضلی را به صدر اخبار رسانه‌های چپ‌دست کشانده است. نیمه مه‌رامه بود که سامانی، سخنگوی وزارت کشور اعلام کرد مطابق بررسی‌های صورت گرفته ۱۴ استاندار، ۱۱ معاون استاندار، پنج فرماندار، ۱۲ نفر از مدیران ستاد وزارت کشور و ۱۲ نفر از ستاد ۳۱ استانداری کشور بازنشسته هستند و باید سمت خود را ترک کنند. همین خبر کافی بود که عبدالرضا رحمانی فضلی بار دیگر آماج حملات قرار بگیرد. اصلاح‌طلبان مدعی اند قانون منع به کارگیری بیش از هر جناحی، برای آنها گران تمام‌شده. حالا که مدیران یا به‌سن گذاشته‌شان به بهانه این قانون باید صندلی‌های مدیریت خود را ترک کنند، نگرانند که کسانی غیر از خودی‌هایشان در کرسی‌های خالی شده قرار گیرند. از این رو از روزهای ابتدایی تصویب و ابلاغ قانون منع به کارگیری بازنشستگان، خط و نشان کشیدن‌ها برای وزیر کشور آغاز شده است. تا آنجا که برخی طرح استیضاح رحمانی فضلی را نیز در همین راستا تحلیل می‌کنند؛ استیضاحی که ۱۱ مهرماه در ۱۳ محور و با تقاضای ۲۴ نماینده تحویل هیات‌رئیس مجلس و سپس به کمیسیون شوراها ارجاع شده است. طی این مدت اصلاح‌طلبان مجلس از جمله علی ساری، نماینده اهواز بارها برای امیدواری کردند که این استیضاح به نتیجه برسد. از ابتدای دولت یازدهم و واپسین روزهای پیروزی حسن روحانی در انتخابات سال ۹۲، حتی زمزمه‌های حضور رحمانی فضلی در ساختمان فاطمی نیز به مذاق اصلاح‌طلبان خوش نیامد. درنهایت گزینه انتخابی روحانی را سهم لاریجانی از دولت خواندند و گزینه‌ای نامطلوب. در انتخابات ۹۶ و تایید صلاحیت شورا‌یی‌ها وزارت کشور دولت روحانی، به‌رغم فضا سازی‌ها هوا را برای اصلاح‌طلبان مساعد کرده بود، ولی با این حال آغاز به کار دولت دوازدهم محملی برای بلند شدن صداها برای تغییر آقای وزیر کشور بود. تا آنجا که علی صوفی- که در انتخابات مجلس ریاست ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان تهران را برعهده داشت- تیرماه ۹۶ به صراحت برای دولت خط و نشان کشید و گفت تغییر وزیر کشور و انتخاب وزیر مورد تایید جناح اصلاحات خط قرمزی است که نباید از سوی روحانی نادیده گرفته شود. حامیان تکراری دولت، انتخاب مجدد رحمانی فضلی را برخلاف سیاست امیدپراکنی می‌خواندند، با این حال تدبیر رئیس دولت بر انتخاب مجدد وی حکم کرد. حالا بار دیگر بر سر انتخاب استانداران تازه‌نفس، تنور سهم‌خواهی‌ها داغ شده است. در همین راستا مرتضی مبلغ، تغییر استانداران را آخرین فرصت دولت برای تجدیدنظر در مدیریت ارشدش می‌داند. معاون سیاسی وزارت کشور در دولت اصلاحات، تاکید کرده دولت اگر در این فرصت، کوتاهی کند «خطایی نابخشودنی» مرتکب شده که قابل جبران هم نیست. صوفی هم چندی پیش گفته بود اگر تغییر استانداران و فرمانداران در جهت حضور اصلاح‌طلبان باشد، مثبت ارزیابی می‌شود. رحمانی فضلی شنبه گذشته در جمع خبرنگاران خبر داده‌بود که یکشنبه ۲۰ آبان، لیست ۱۴ استاندار جدید را به دولت معرفی خواهد کرد. با این حال روز یکشنبه خبری از استانداران جدید نبود و برخی همین سهم‌خواهی‌های اصلاح‌طلبانه را علت عدم ارائه لیست استانداران دانستند. اگرچه سه روز بعد (روز چهارشنبه) استانداران همدان، زنجان، سیستان و بلوچستان و کرمان انتخاب شدند. استانداران جدیدی که لیست امیدی‌های مجلس از جمله زرآبادی، نماینده قزوین، آنها را چهره‌هایی با سبقه اصلاح‌طلبی می‌دانند، با این حال حمیده زرآبادی به روزنامه آرمان بار دیگر تاکید کرده رحمانی فضلی با دولت همسو نیست و به سبب رای روحانی توجه ندارد. در این میان شاید حرف و حدیث‌ها بر سر انتخاب استاندار جدید پایتخت بیش از سایر استان‌ها باشد. سال گذشته حوالی همین روزها بود که محمدرضا عارف در تودیع و معارفه استاندار تهران، از زحماتی که برای رسیدن محمدحسین مقیمی به استانداری پایتخت کشیده شده بود، سخن گفت و تصریح کرد: «انتخاب آقای مقیمی را به خودمان تبریک می‌گوییم!» ایشان دهد انتخابی صدرصد اصلاح‌طلبانه صورت گرفته است. حالا مقیمی که ۶۸ ساله است، باید صندلی یکساله‌اش را ترک کند. از این رو اینکه انتخاب بعدی نیز برای اصلاح‌طلبان مبارک باشد، دغدغه‌ای جدی برایشان شده است. حالا دولت حسن روحانی کمتر از سه سال به پایان کارش فرصت دارد. شمارش معکوس برای انتخابات مجلس آغاز شده و تا انتخابات ۱۴۰۰ نیز راهی نمانده است و همچنان سهم‌خواهی‌های اصلاح‌طلبانه از دولت ادامه دارد. سهم‌خواهی از طرف کسانی که تنها رفیق گلستانند و تاب گرمای گرمابه کارنامه دولت روحانی را ندارند.



«فرهیختگان» عملی شدن اولین گام‌های توافقات ایران با هند و روسیه را بررسی کرد

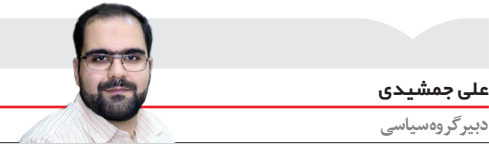
وعده اروپا؛ اقدام شرق

دسته از تحریم‌های آمریکا، کشورهای اروپایی بازمه حداقلی‌ترین وعده‌های خود را عملیاتی نکردند. این بار اروپایی‌ها حتی اعلام کردند که تدوین سازوکار اجرای SPV یا همان تعهدات‌شان در قبال پابرجا ماندن برنامه به سال جاری میلادی هم نخواهد رسید و باید ایران تا سال آینده صبر کند. در این میان اما حتی خبری که می‌گفت اساس و متن این توافق قرار است تا قبل از ۲۰ آبان ثبت شود و بعدا وارد فاز تدوین سازوکار شود هم محقق نشد و خیلی‌ها در ایران یقین کردند که قرار نیست اروپایی‌ها با ایران همکاری کنند. در هفته گذشته اما خبری منتشر شد که این نظر را تقویت کرد؛ دولت اتریش که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را نیز برعهده دارد، طی بیانیه‌ای اعلام کرد نمی‌تواند میزبان SPV باشد، بعدا هم گفته شد که لوکزامبورگ و بلژیک هم به چنین تصمیمی رسیده‌اند. این خبر در حالی منتشر شد که پیش از این ایران گفته بود نباید کشورهای درجه دو اروپا وارد میدان شوند، بلکه از میان سه کشور آلمان، فرانسه و انگلیس یکی باید میزبان این ساز وکار باشد و در نتیجه توافقات اولیه برای اینکه فرانسه این مسئولیت را برعهده بگیرد هم صورت پذیرفت.

ب-همزمان که دولت با تمام قوا تلاش می‌کرد اروپایی‌ها مساله مرادوات خارجی ایران را حل کنند، برخی در داخل ایده نگاه به شرق و ظرفیت موجود در کشورهای آسیایی را در کنار تقویت روابط با آفریقا و آمریکای لاتین مطرح کردند و گفتند با توجه به اینکه مرادوات خارجی ایران به‌طور سنتی با سه کشور چین، هند و روسیه می‌تواند انجام پذیرد، تلاش برای تقویت روابط با این کشورها بیش از اروپایی‌ها نتیجه‌بخش خواهد بود. طرح این ایده اما از همان ابتدا با هجمه نزدیکان دولت همراه بود و این افراد و رسانه‌هایشان گفتند روابط ایران با این سه کشور هیچ‌گاه استراتژیک نبوده و نخواهد بود. با این وجود اما تلاش‌هایی از سوی ایران برای تقویت این مسیر صورت گرفت؛ از جمله اینکه حسن روحانی با سفر به چین و علی اکبر ولایتی، مشاور مقام معظم رهبری با سفر به روسیه تلاش کردند این ایده را پیش بگیرند.

حالا اما همزمان با اینکه اروپایی‌ها اجرای تعهدات خود را به دلایل مختلف مدام به تعویق می‌اندازند، چند اتفاق مهم نشان از این دارد که شرقی‌ها به مراتب از اروپایی‌ها در مقابل ایران متعهدند و در مسیر تحکیم روابط اقتصادی با ایران گام برمی‌دارند.

در این برهه هندی‌ها اولین کشوری هستند که تلاش‌های خود را به نتیجه رسانده‌اند و با وجود اعمال فشار آمریکا، به جای کاهش، خرید



علی جمشیدی

دبیر گروه سیاسی

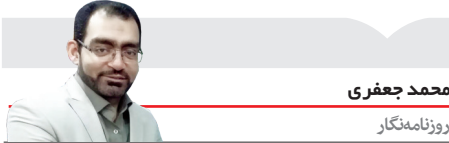
بعد از خروج ایالات متحده آمریکا از برنامه و بازگشت دوباره تحریم‌ها مسلم شد که تجربه دوباره رفع مشکلات داخلی از مسیر تغییر نسبت و تعاملات سیاسی با ایالات متحده آمریکا بیهوده و بدون نتیجه است؛ ایده‌ای که از سال ۹۲ از سوی دولت یازدهم در پیش گرفته شد و در سال اول دولت دوازدهم نتیجه نهایی آن مشخص شد. بعد از این اتفاق قاعدتا دولتی‌ها برای حفظ مسیر تبادلات بین‌المللی از حمله فروش نفت و ادامه صادرات کشور و همچنین بازگشت پول آنها جهت استفاده آزادانه برای مخارج کشور از جمله واردات فاز جدیدی از تلاش‌های خود را آغاز کردند و در این مسیر نه آنچنان متفاوت از گذشته، این بار به دنبال اروپایی‌ها رفتند و با ادامه راه برنامه از سه کشور اروپایی خواستند تا کاری کنند که خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و بازگرداندن تحریم‌ها باعث کاهش منافع ایران در فضای بین‌المللی و مخصوصا آنچه در برنامه آمده نشود. ازاین‌رو مذاکرات جدیدی از همان اردیبهشت‌ماه میان ایران، اتحادیه اروپا و سه کشور فرانسه، انگلیس و آلمان درگرفت که نتیجه آن تفاهم اولیه برای شکل گیری یک سازوکار مالی به‌منظور تسهیل روابط تجاری میان ایران و اروپا بود و بعدا اعلام شد این سازوکار که تحت عنوان صندوق یورو پایه اروپایی یا SPV شکل خواهد گرفت، آنقدر پرقوت و گسترده خواهد بود که چین و روسیه هم می‌توانند از آن برای مرادوه مالی با ایران استفاده کنند.

الف: با وجود اینکه مقامات دولت ایران به دفعات اعلام کرده بودند مذاکره با اروپایی‌ها چند هفته پیشتر به طول نخواهد انجامید و آنها باید سازوکار خود را از نیمه مردادماه یعنی زمان اعمال اولین دور تحریم‌ها اجرایی کنند، اما اروپایی‌ها به بهانه‌های مختلف از جمله عدم تصویب FATF در ایران از تحقق وعده‌های خود شانه خالی کردند. دیپلمات‌های دولت دوازدهم بعد از این واقعه البته مذاکرات را متوقف نکردند و ضمن آن تلاش کردند سه لایحه مربوط به FATF در مجلس به تصویب برسد. آنها البته همزمان که این لوایح در مجلس مصوب شد، از اروپایی‌ها خواستند تا چهارم نوامبر (۱۳ آبان) وعده‌های خود را عملیاتی کنند، چندی بعد اما با فرارسیدن ۱۳ آبان و بازگشت دومین

گفت وگو

استاد دانشگاه علامه طباطبایی در گفت وگو با «فرهیختگان»:

بن‌بست اقتصاد لیبرال دولت را ناچار به رویگردانی از مدل مطلوب خود کرد



محمد غفیری

روزنامه‌نگار

روزی که رئیس‌جمهور، معاون اول خود را مأمور کرد تا در پایان جلسه فوق‌العاده ستاد اقتصادی دولت برای مدیریت بازار ارز، از دلار ۴۲۰۰ تومانی رونمایی کند، خیلی‌ها این تصمیم را در تضاد با ایده مرکزی دولت در حوزه اقتصاد که بیش از هر چیز قائل به اقتصاد لیبرال و بازار آزاد و رقابتی و پرهیز از نظارت و کنترل و... است، دانستند؛ گزاره‌ای که البته با گذشت زمان و جایگزینی و تقویت موقعیت اقتصاددانان نهادگرا نظیر دژپسند و اسلامی در تیم اقتصادی دولت، رفته‌رفته تقویت هم شد، تیمی که از همان ابتدا اقتصاددانان لیبرال نظیر نیلی، نهان‌نویان، آخوندی، زنگنه و... در آن صف کشیده بودند.

این البته تنها گزاره در این رابطه نبود. خروج پسر و صدای عباس آخوندی، وزیر مقرب کابینه و انتقادات صریح او نسبت به عدم پایبندی دولت به رهیافت‌های اقتصاد لیبرال نشان داد ماجرا جدی‌تر از اینهاست. آخوندی با بیان اینکه در ارتباط با سیاست دولت در بازار و روش ساماندهی امور اقتصادی به لحاظ شرایط موجود بازار امکان هماهنگی ندارد، نوشته بود سه اصل پایبندی به قانون، احترام به قانون مالکیت و اقتصاد بازار رقابتی را در هیچ شرایطی نباید زیر پا گذاشت و آنچه که در تدبیر شرایط کنونی مشاهده می‌شود، نقض همین سه شرط است. تاکید رئیس‌جمهور درخصوص لزوم تشدید نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها در نشست با مدیران ارشد وزارت امور اقتصادی و دارایی هم

دیدگاه‌های راست دارند و چه آنهایی که قائل به دیدگاه چپ هستند، این موضوع را باور دارند که عمده نهادگراهای ما برای مسائل راه‌حل ندارند و معمولا در کلیات می‌مانند و اساسا به جزئیات ورود نمی‌کنند. به بیان دقیق‌تر این تفکر بیشتر در حوزه نقد و شناسایی سیاست‌های کلی قوی است و از ارائه راهکار در جزئیات ناتوان است.»

وی افزود: «با توجه به آنکه دولت آقای روحانی در سال ششم خود به سر می‌برد و یک دولت نوپا محسوب نمی‌شود نباید باور کنیم که جابه‌جایی‌هایی از این دست ناظر به آن است که دولت از رویکرد تکنوکراتی به سمت نهادگرایی سوق یافته.»

اسماعیلی ادامه داد: «ماجرادر حقیقت از این قرار است که ایده‌های کسانی که در لایه اول تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولت در حوزه اقتصاد قرار داشتند و در دوره اول به کارگیری شدند موفق نبود و بن‌بست مواجه شد و همین موضوع و تبعات آن دولت را ناچار به ایجاد تغییرات کرد.»

این کارشناس مسائل اقتصادی خاطرنشان کرد: «مثال بارز این موضوع شخص آقای نیلی هستند که همیشه تاکید داشتند من ایرج‌الش‌های ایران را می‌شناسم و برای این ایرج‌الش‌ها برنامه‌های قطور تدوین شده ارائه می‌کردند. اما درنهایت وقتی دیدند ایده‌هایشان کارساز نیست بی‌سروصدا و از در پشتی دولت خارج شدند.»

به گفته اسماعیلی کم‌رنگ شدن حضور اقتصاددانان لیبرال در دولت را از این منظر هم می‌توان ارزیابی کرد که آنها می‌خواهند در انتخابات ریاست‌جمهوری بعدی نیز حرفی برای گفتن داشته باشند و اگر فرمان اقتصاد تا آخر بازی در اختیار آنها باشد در انتخابات بعدی عرصه بر آنها تنگ



استراتژیک دو نتیجه را به همراه خواهد داشت؛ نخست اینکه باعث شد نیروهایی که قدری گرایش به ادبیات نهادگرایی دارند زعامت کار را در سال‌های آخر به دست بگیرند و اگر این تفکر بتواند به وضعیت اقتصادی کشور سر و سامانی بدهد، نتیجه به نام دولت تمام و از بار کارنامه منفی کنونی کاسته خواهد شد. اگر هم نتوانست در ۱۴۰۰ امکان به کارگیری ادبیات انتقادی نسبت به این رویکرد وجود خواهد داشت و لیبرال‌ها منفعل نخواهند بود.»

با همه تفاسیری که رفت، بیش از هر چیز این گزاره به اثبات می‌رسد که عرصه اقتصاد به بستری برای آزمون و خطای لیبرال‌ها تبدیل شده و البته که هزینه این رویه بیش از هر کس و هر چیز از جیب مردم پرداخت می‌شود. هر چه هست، فارغ از طیف‌بندی‌هایی از این دست، جامعه مردان اقتصادی و غیراقتصادی دولت را به یک چشم می‌نگرد و اینک انتظار دارد با تغییرات مورد نظر دولت، بازگشت آرامش به اقتصاد و روندهایی چون شیب کاهش قیمت دلار ادامه یابد.

شده و امکان نقد ایده‌های رقیب از آنها سلب خواهد شد. لذا باید این‌طور جمع‌بندی کرد که مجموعه اقتصادی دولت یک تفکر را نمایندگی می‌کنند، منتها چهره‌های کنونی نظیر آقایان اسلامی، درژپسند و... که لایه‌های دوم آن به شمار می‌آیند از برجستگی و شناخته‌شدگی کمتری برخوردارند و مجال بیشتری برای کلی‌گویی‌ها و تصمیمات کلی دارند. از اینجاست که نهادگرایی در بیان این دوستان دیده می‌شود و الا اینها نهادگرا نیستند.

وی دربرابر ریشه چرخ مواضع رئیس‌جمهور از اقتصاد بازار رقابتی و منع اقتصاد دستوری و... به ورود دولت به اقتصاد و تشدید نظارت‌ها و... گفت: «آقای روحانی با توجه به اینکه از ابتدا سخن از اعتدال گفتند و دوست داشتند به عنوان یک رئیس‌جمهوری که هر دو طیف را در کابینه خود جای دهند، تصمیم گرفتند در دوره دوم خود قدری وزن تمایلات گروهی را که در دوره اول آنها را در نظر نگرفتند بیشتر کنند.» این کارشناس مسائل اقتصادی ادامه داد: «این چرخش